

Handwritten signature and notes in Urdu script.

نَبِّ افْرِجْ عَيْنَا صَبْرًا وَتَشَبَّهِ اَتَدَا فَتَفْرِجْنَا عَمَّا اَلَدُّمُ الْكَفَرِينَ

[illegible]

تراشگر که شربت شدت این یقانه راه رسیدن بسان به غارت را به من سینه به قیصر و قهر و کشتن عمارت را زنی داشت
تراشگر که کمر نه نه شدت خدا سینه غارت را بر بسان زایل عطا فیض و من نه راه معاف غارت را
شدت و دهشت یافتیم که من با به کمر برین رسید خود اعلا و کبر و ان شکر تر کبر از نه تا را گرفتیم و اول
نسبت کمر لغد و غایت بر سر نه نسبت به نسبت به تر

خداوند مرا از هر رحمه لطف و عنایت ده مگردم و شهادت یحییٰ بن عمر

[illegible]

و ترا هم از کینه زده تا همی قرصه نشسته و رخ کشیده از دست این بکریم خورده هیچ دان! انچه گفته

همین نذر بر تو هجران فرج، ای که عین محمدی، و جمیع بابی تر "نذر شد" و می توانم را عصاره تاریخ
قرآن بدانم که با حرکت، حرکت اسلام را در تاریخ شرح کرده و از آرزو متغیبات و دلالت نفسی که در وی
است هم نسبت که هر چه در آن ها در ده، تو را در کند و نسبت که ده در باب که خطا را در ده
از این حرکت به عنوان ضایع تر به تاریخ است و کلیه آن ها را حاضر و آینده تاریخ می باشد.